



بررسی رویکردهای بازسازی در معماری پس از جنگ

راضیه لیبزاده^۱

۱۳۹۸/۰۵/۱۴

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۹/۰۸/۰۹

تاریخ پذیرش مقاله :

چکیده

بیان مساله: در طول تاریخ، جنگ و تاثیرات آن، باعث تغییر و یا تخریب ساختار شهرها و آثار معماری شده است. امروزه نیز شهرها مصون از آسیب جنگ (یا حوادث مخرب مشابه) نیستند، بنابراین بررسی رویکردهای بازسازی در معماری پس از جنگ ضروری به نظر می‌رسد.

سوال تحقیق: چگونگی اثرگذاری جنگ بر کالبد شهرها و شناخت نحوه بازسازی پس از آن، سوال اصلی پژوهش حاضر است که پاسخ به آن می‌تواند در حوادث مخرب راه‌گشا باشد.

اهداف تحقیق: هدف این مقاله شناسایی و دسته‌بندی انواع رویکردهای بازسازی پس از جنگ است.

روش تحقیق: برای دستیابی به هدف فوق، ضمن معرفی نسل‌های مختلفی از جنگ، تاثیرات آن‌ها بر ساختار شهرها مشخص شده است. سپس نحوه بازسازی هر نسل با روش مصداق‌پژوهی مورد مطالعه قرار گرفته و در ادامه بررسی‌های تطبیقی میان نحوه بازسازی هر کدام از نمونه‌ها انجام شده است. شهرهای برلین، هیروشیما، لندن، ورشو، بیروت و شهرهای آسیب‌دیده‌ی ایران به عنوان نمونه‌های پژوهش انتخاب شده‌اند. انتخاب مصداق براساس نوع آسیب در جنگ و بکارگیری رویکردهای مختلف بازسازی در راستای پاسخ به سوالات و اهداف پژوهش بوده است.

مهم‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق: مطالعات مرحله اول پژوهش مشخص کرد که جنگ‌ها در شش نسل (با توجه به نوع سلاح‌ها) بر ساختار معماری و شهر تاثیرگذار هستند. جنگ‌های بدوی و نسل اول، تاثیرات حداقلی (کوتاه‌مدت) بر ساختار شهر و معماری داشته‌اند و بیشترین تخریب‌ها در جنگ‌های نسل دوم و سوم صورت گرفته است. جنگ‌های نسل چهارم و پنجم نیز جنگ‌های فرهنگی و سایبری هستند که تاثیرات آن در درازمدت بر ساختار شهرها مشخص می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بازسازی‌های پس از تخریب جنگ‌ها در قالب سه دسته‌بندی کلی شامل «الگویابی مجدد (Remodeling) بدون در نظر گرفتن سابقه قبلی»، «دوباره‌سازی (Rebuilding) مشابه گذشته» و «باززنده‌سازی (Revitalization & Adaptation) آثار براساس شرایط جدید و با توجه به سابقه تاریخی» هستند. بدین ترتیب که بازسازی پس از جنگ‌های بدوی و نسل اول (با توجه به عدم تخریب کالبد در حین جنگ) با استفاده از رویکرد «باززنده‌سازی براساس شرایط جدید» در کوتاه‌مدت و «الگویابی مجدد» در بلندمدت صورت گرفته است. بازسازی پس از جنگ‌های نسل دوم و سوم (با توجه به حجم فراوان تخریب) بیشتر با بکارگیری رویکردهای «الگویابی مجدد» و «دوباره‌سازی» در کوتاه‌مدت و رویکرد «باززنده‌سازی» در بلندمدت بوده است. همچنین با توجه به ماهیت جنگ‌های نسل چهارم و پنجم پیشبینی می‌شود تاثیرات این سبک از جنگ‌ها در بلندمدت به دنبال «الگویابی مجدد» برای اعمال تغییرات فرهنگی در جوامع هدف باشند.

کلمات کلیدی: معماری، نسل‌های جنگ، الگویابی مجدد، دوباره‌سازی، باززنده‌سازی

^۱ استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران؛ ایمیل: R.Labibzade@gmail.com

۱- مقدمه

جنگ همواره خسارات فراوانی را در شهرها بجای گذاشته و پیامدهای درازمدت بیشتری نیز در بر داشته که بعضاً از تاثیراتی که در زمان وقوع برجای مانده‌اند، مهم-تر هستند. هرچند عمده تمرکز جنگ‌های امروز بر مسائل فرهنگی است (سبحانی‌فر، ۱۳۹۱: ۸۹)، اما با توجه به تجربه ایران در جنگ هشت ساله و نیز قرارگیری کشور در منطقه خاورمیانه (که در سال‌های اخیر با موج نوینی از بحران‌ها مواجه بوده) امکان رخ‌دادن جنگ‌های ترکیبی علیه ایران همچنان محتمل است (ستاریخواه، ۱۳۹۵: ۲۷)، بعلاوه بروز حوادث طبیعی مخرب، از گذشته تا به امروز در این محدوده جغرافیایی، شناخت رویکردهای بازسازی را اجتناب ناپذیر می‌نماید. شیوه نگرش به مقوله بازسازی در فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف دارای تفاوت‌هایی در نوع دیدگاه (نظر) و شیوه‌های اجرا (عمل) است، که شناخت تجارب گوناگون آن‌ها در بازسازی می‌تواند در انتخاب بهترین رویکردها کمک‌کننده باشد. در این پژوهش سعی بر آن است تا با بررسی اولیه تحقیقات انجام شده در زمینه ابعاد مختلف و ارتباطات موجود میان جنگ و معماری، شیوه برخورد با این موضوع در تجربیات برخی کشورهای درگیر جنگ مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. در این راستا پس از مرور پیشینه پژوهش، تعاریف نسل‌های مختلف جنگ و اثرات آن بر شهرها و آثار معماری بیان شده و نمونه‌هایی از شهرهای جهان که درگیر جنگ بوده‌اند مورد بررسی قرار گرفته‌اند. دامنه بررسی‌ها شامل جنگ‌های تاریخی مثل تهاجمات اسکندر، فتوحات مسلمانان و لشگرکشی مغولان در ایران، جنگ‌های صلیبی و جنگ‌های مدرن در عصر صنعت و قرن معاصر (مثل جنگ جهانی دوم؛ جنگ تموز و جنگ تحمیلی ایران) است. از آنجایی که غالب رویکردهای بازسازی با الگوگیری از روش‌های رایج در کشورهای صنعتی پیش می‌رود (احمدیان‌دیوکتی، ۱۳۹۷: ۱۲۲)، کشورهای آلمان، ژاپن، انگلستان و لهستان (کشورهای آسیب‌دیده از جنگ جهانی دوم) به عنوان بستر پژوهش انتخاب شده‌اند. پس از آن آثار جنگ ۳۳ روزه لبنان و جنگ تحمیلی ایران بررسی شده است و نحوه بازسازی پس از جنگ در آن‌ها مورد شناخت و تحلیل قرار گرفته و راهبردهای اصلی

بازسازی پس از تخریب معرفی شده‌اند که می‌تواند زمینه‌ای راه‌گشا برای تحقیقات علمی و کاربردی در سوانح طبیعی و غیرطبیعی فراهم آورد.

۲- پرسش‌های تحقیق

انواع رویکردهای بازسازی معماری پس از تخریب در جنگ‌ها سوال اصلی پژوهش حاضر است، در این راستا پرسش‌های زیر مطرح می‌گردد:

- نسل‌های گوناگون جنگ به لحاظ کالبدی در حین کارزار به چه صورتی موجب تخریب بافت‌های شهری و آثار معماری شده است؟

- ملاک‌های اصلی برای استفاده از رویکردهای مختلف بازسازی چه بوده است؟

۳- فرضیه تحقیق

نسل‌های مختلف جنگ، تاثیرات متفاوتی بر نوع خرابی‌های پس از جنگ در کالبد شهر و معماری داشته‌اند، به نظر می‌رسد نیازهای مختلف هر بستر زمانی و مکانی باعث شکل‌گیری رویکردهای مختلفی در بازسازی‌ها شده باشد.

۴- پیشینه تحقیق

بیش از پنج دهه از آغاز تدوین علمی رویکردهای بازسازی پس از سانحه نمی‌گذرد، ولی منابع تاریخی وجود دارند که در خصوص جنگ‌ها و سرنوشت آن‌ها مطالبی ارائه کرده‌اند. از جمله این پژوهش‌های تاریخی کتاب «فتوح‌البلدان» است که با روشی تاریخ‌نگارانه به توصیف جنگ‌های صدر اسلام تا فتح شام و اندلس و ایران پرداخته است (بلاذری، ۱۳۳۷). اما در این مقاله، بررسی پژوهش‌های علمی قرن اخیر، در خصوص بازسازی پس از سانحه اهمیت بیشتری دارد.

نخستین رویکردهای مدون بازسازی، در مطالعه‌ای با عنوان «بازسازی پس از سانحه» نوشته هاس و دیگران (۱۹۷۷) انتشار یافت. این کتاب به تفصیل انواع روش‌های فنی و مهندسی بازسازی را بررسی کرده است. اقدامات پژوهشگران مزبور را فریزما (۱۹۷۹) در نوشتار «پس از رویداد: وضعیت مناطق پس از بلایای طبیعی» و رایت (۱۹۷۹) با مقاله «پس از پاکسازی ضایعات: اثرات بلندمدت بلایای طبیعی» دنبال کردند. در این پژوهش‌ها بدون توجه به رویکردهای بازسازی، اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت حوادث طبیعی مطالعه شده است.



آسیب دیده دارند و می‌توانند حضوری مداوم در محل داشته باشند. برنامه ایده‌آل بازسازی، در زمینه‌های ساخت و محافظت منحصراً بر اطلاع رسانیان محلی تکیه خواهد کرد» (کالیم، ۲۰۰۵: ۱۷). نتایج این پژوهش تاکید بر بازسازی پس از جنگ براساس اصول توسعه پایدار دارد. در همین رابطه ونوگوپال (۲۰۱۰) راهکار بازسازی پس از جنگ به صورت پایدار را وابسته به «مشارکت استفاده‌کنندگان» و «داشتن سابقه فرهنگی و زمینه‌ای» می‌داند و استیفل (۱۹۹۹) نظریه «اعتماد اجتماعی» را بیان می‌کند. بینش اصلی این نظریه آن است که نباید ویرانی‌ها و صدمات تنها به تباهی‌های فیزیکی تقلیل یافته و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی نادیده گرفته شوند. از بین رفتن اعتماد یکی از عمده‌ترین چالش‌های اجتماعی پس از جنگ است. در حقیقت «جوامعی که جنگ را تجربه کرده اند با گستره‌ای از مشکلات در همه عرصه‌ها روبه رو هستند که همه به همدیگر مرتبط بوده و اضطرابی تلقی می‌شوند. اما یکی از این مشکلات بقیه را تحت الشعاع قرار داده و متأثر می‌سازد، نابودی روابط و از دست رفتن اعتماد، اطمینان، کرامت و ایمان» (استیفل، ۱۹۹۹: ۱۰). اولویت بازسازی اجتماعی از آن رو حیاتی است که اگر مردم به همدیگر اعتماد نداشته نباشند و نیز فاقد اعتماد و اطمینان به دولت و فرایند بازسازی باشند، شکست بهترین راهکارهای بازسازی محتمل خواهد بود.

پیشینه پژوهش‌ها در مورد بازسازی پس از تخریب در ایران متمرکز بر فجایع طبیعی به خصوص زلزله بوده و بازسازی آثار جنگ کمتر مورد توجه قرار گرفته است (با اقتباس از شادی‌طلب، ۱۳۷۲) اما از پژوهش‌های مرتبط به جنگ می‌توان به تجارب مردم شهر جنگ زده قصرشیرین در امر بازسازی دوران پس از جنگ اشاره کرد (کلهرنیا، ۱۳۹۱). همچنین مَطُوف در پژوهش «تحلیل بازسازی آبادان و خرمشهر از دیدگاه نظری» با بررسی زمینه‌های تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی رویکردهای بازسازی خرمشهر و آبادان را تنها در ابعاد کالبدی بیان کرده و فراموش شدن ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی را در بازسازی‌ها متذکر می‌شود (مطوف، ۱۳۸۳: ۸۳).

علی‌رغم این دیدگاه‌ها، تا اواسط دهه ۱۹۸۰، همچنان رویکردهای غالب در بازسازی پس از سانحه، معطوف به مباحث فنی بود. کوارانتلی (۱۹۸۲) می‌نویسد: «دهه ۱۹۵۰ آغاز مطالعات سوانح در ایالات متحده بود. دهه ۱۹۶۰ زمینه برای پژوهش‌های بیشتر فراهم شد. دهه ۱۹۷۰ عصر جهش به سمت مقابله اصولی‌تر، جامع‌تر و پردامنه‌تر سوانح خواهد بود». نویسنده مزبور به دو مشکل اساسی در مسیر مطالعات بازسازی اشاره دارد: «نخست، مطالب و نوشته‌های منطقی و علمی ناچیزی در این زمینه است و دوم، پژوهش‌های موجود از نظر کیفی جامعیت لازم را ندارند و امکان بهره‌گیری کاربردی از آن‌ها ممکن نیست». کتاب «در خطر» به طرح مبانی نظری و الگوهای مختلف و چارچوب‌های سیاست‌گذاری بازسازی می‌پردازد (بلاکیه، ۱۹۹۴). همچنین کتاب دیگری به نام «سانحه به خانه صدمه می‌زند» تجربیات موجود بازسازی مسکن را در ایالات متحده در طی پنج دهه ارزیابی و نقد می‌کند (کومریو، ۱۹۹۸). از جمله مطالعات جدیدتر، نوشتاری است که در آن روند تکاملی جامعه‌گرایانه سرپناه در بازسازی، میان سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۶ بررسی و پیشرفت‌ها و تغییرات مهم در نگرش بازسازی مسکن پس از سانحه تجزیه و تحلیل شده است. اما پژوهش‌های مرتبط به بازسازی پس از جنگ معمولاً با رویکردهای میان رشته‌ای صورت می‌گیرد. در ادبیات جهانی بازسازی‌های پس از جنگ، در دو بخش جنگ‌های داخلی و جنگ‌های خارجی بررسی شده است. در مطالعات مربوط به جنگ‌های داخلی، علاوه بر اهمیت بازسازی فیزیکی سعی در چاره‌اندیشی برای احیای همزیستی قوم‌های درگیر شده است. در بررسی‌های مرتبط با جنگ‌های خارجی پژوهش‌ها بر مسئله کمک‌های اقتصادی بین‌المللی برای بازسازی پس از جنگ متمرکز هستند (آن، ۱۹۹۶؛ المصری و کلت، ۲۰۰۱؛ النور و یاسر، ۱۹۹۳). کالیم مدعی است یکی از مسائل موجود در بازسازی‌ها، کم‌ارزش‌بینی سازوکارهای محلی انطباق از سوی مداخله‌گران خارجی است: «اگر سازوکارهای محلی نادیده گرفته شوند، امکان دارد که وابستگی ناسالم به کمک خارجی شکل گیرد. از آنجایی که اطلاع‌رسانان محلی بیشترین آگاهی را درباره نواحی



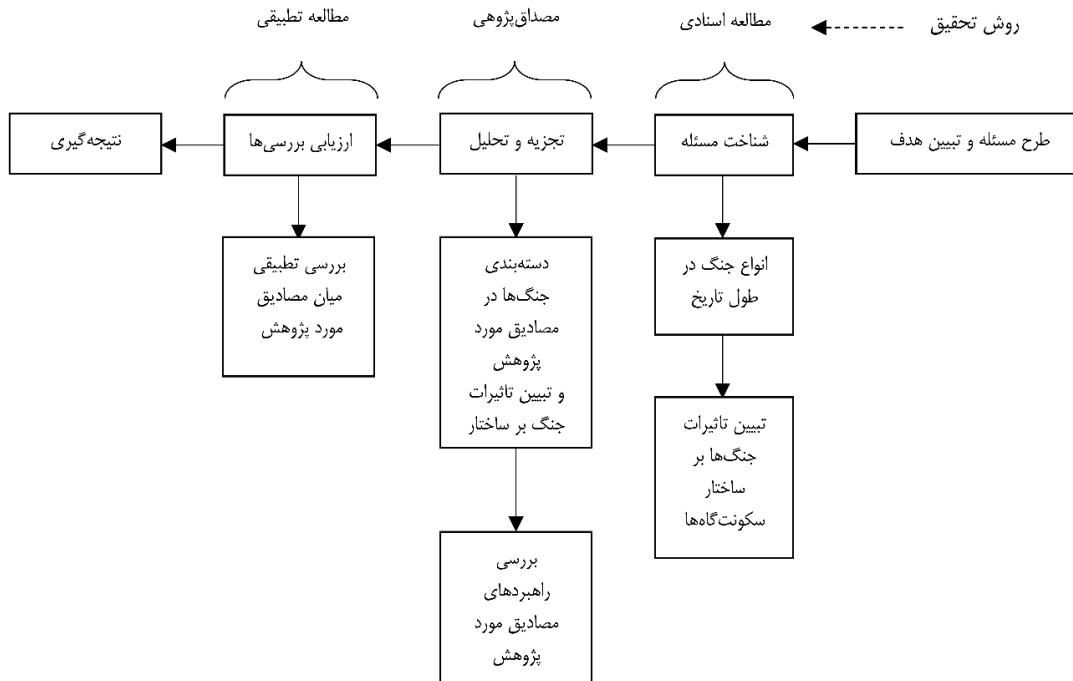
۶- مبنای نظری: نسل‌بندی جنگ‌ها و تبیین آثار آن بر معماری و شهرسازی دنیا

جنگ‌ها از دیدگاه‌های مختلفی قابل دسته‌بندی هستند، اما آنچه که بیشترین تاثیر را بر ساختار شهرها و معماری گذاشته، نوع سلاح‌های بکارگرفته شده در طی جنگ-هاست، که بر این اساس تقسیم‌بندی نسل‌های مختلف جنگ صورت می‌گیرد و به این ترتیب جنگ‌ها شامل شش نسل هستند: ۱- جنگ‌های بدوی (جنگ‌های اول تاریخ تا قبل از اختراع باروت)، ۲- جنگ‌های نسل اول (استفاده از سلاح‌های گرم اولیه)، ۳- جنگ‌های نسل دوم (استفاده از توپخانه و هواپیما)، ۴- جنگ‌های نسل سوم (استفاده از رادار و سلاح‌های پیشرفته)، ۵- جنگ‌های نسل چهارم (بکارگیری ابزارهای فرهنگی)، ۶- جنگ‌های نسل پنجم (جنگ‌های بیولوژیکی)، (آراسته، ۱۳۸۹: ۵۷). البته دسته‌بندی دیگری از انواع جنگ‌های موثر بر ساختار شهرها توسط ویل و کامپانلا (۱۳۹۷: ۲۴) به شرح جدول شماره ۱ صورت گرفته است.

از بررسی پیشینه پژوهش مشخص شد که در دوران مختلف، بیشتر اندیشمندان در حوزه «بازسازی پس از سانحه»، راهکارهای مختلفی با توجه به اقتضات زمانی همان دوره ارائه کرده‌اند، تمایز این پژوهش با سوابق مذکور، توجه به شرایط مختلف زمانی و مکانی، مشترکات راهکارهای بازسازی پس از جنگ و شناسایی و دسته‌بندی آن‌هاست، تا بتوان براساس آن بستری علمی برای راهکارهای بازسازی آینده فراهم آورد.

۵- روش تحقیق

گستره موضوع این تحقیق در دو زمینه کلی «تاریخی-سیاسی» و «معماری و شهرسازی» تعریف شده است. بدین منظور ابتدا با روش «تفسیری-تاریخی» انواع نسل‌های جنگ شناسایی و تاثیرات آن بر ساختار شهر و معماری مشخص شده است. برای بررسی دقیق-تر، فرآیند تحولات معماری و شهرسازی کشورهای آسیب‌دیده از جنگ با استفاده از روش «مصادق پژوهی» مورد مطالعه قرار گرفته‌است. سپس در آخرین مرحله از پژوهش نیز مطالعه تطبیقی نحوه بازسازی کشورهای یادشده پس از جنگ جهانی دوم و ایران پس جنگ تحمیلی انجام شده است (نمودار ۱).



نمودار ۱- روش تحقیق، (ماخذ: نگارنده)



جدول ۱- انواع جنگ‌های موثر بر ساختار شهر براساس نوع درگیری‌ها. (ماخذ: ویل و کامپانلا، ۱۳۹۷: ۲۴)

نوع جنگ	علت خسارت
جنگ داخلی	بمباران / تیراندازی ایجاد حریق سلاح‌های بیولوژیکی سلاح‌های شیمیایی
جنگ بین‌المللی	بمباران / تیراندازی سلاح‌های هسته‌ای سلاح‌های بیولوژیکی سلاح‌های شیمیایی
تروریسم بین‌المللی	انفجار / هواپیمارمایی سلاح‌های هسته‌ای سلاح‌های بیولوژیکی سلاح‌های شیمیایی
تروریسم داخلی	انفجار / هواپیمارمایی سلاح‌های هسته‌ای سلاح‌های بیولوژیکی سلاح‌های شیمیایی
شورش‌ها و اغتشاشات	تیراندازی / ایجاد حریق

یکی از صحابه پیامبر (سلمان فارسی) بر آن و دفن وی در آن‌جا نیز دلالت بر عدم تخریب شهر پس از جنگ دارد (تصویر ۱).

تهاجمات چنگیزخان مغول به ایران نیز از جمله جنگ‌های نسل اول محسوب می‌شود. در سال ۱۲۲۰ میلادی (۶۱۶ هج) مغولان سمرقند را فتح کرده و پس از ورود سپاهیان به شهر و به دستور چنگیز، تمامی بناها را تخریب کردند، سپس در سال ۱۲۲۱ میلادی (۶۱۷ هج)، پس از فتح شهر گرگانج، تصمیم گرفتند که آن را



تصویر ۱. آرامگاه سلمان فارسی در تیسفون (متوفی در سال ۵۱ میلادی). وجود این آرامگاه در شهر تیسفون دلالت بر ادامه حیات شهر و عدم تخریب شهر پس از فتح دارد، حتی توجه مسلمانان به شهر به گونه‌ای بوده که یکی صحابه در این شهر مدفون است. ماخذ: URL1

دسته‌بندی جدول ۱، براساس نوع جنگ است و سلاح‌های مشترک با تخریب‌های مشابه در تمامی انواع جنگ‌ها قابل مشاهده است، بنابراین به نظر می‌رسد که دسته‌بندی جنگ براساس نوع سلاح، تاثیرات آن‌ها را بر ساختار شهر و معماری بهتر نمایان سازد، بر همین اساس این نوشتار نیز با استناد به انواع جنگ برحسب سلاح به مطالعه نمونه‌های موردی می‌پردازد:

۶-۱- جنگ‌های بدوی

جنگ‌های بدوی از آغاز تاریخ تا قرن پانزدهم، بدون ابزار یا با ابزار اولیه طبیعی مثل چوب و یا ابزار جنگی ساده از قبیل شمشیر، کمان و سپر صورت پذیرفته است. تمامی جنگ‌های رخ داده در جهان تا قبل از اختراع باروت را می‌توان در این دسته قرار داد (آراسته، ۱۳۸۹: ۶۱).

۶-۱-۱- جنگ‌های بدوی در ایران

از جمله جنگ‌های این نسل که منجر به فتح شهرها شده است می‌توان به فتوحات اسکندر در ایران (قبل از اسلام)، فتح ایران به دست مسلمانان (صدر اسلام)، لشکرکشی مغولان به ایران (پس از اسلام) و جنگ‌های صلیبی اشاره کرد. اسکندر در سال ۳۳۰ ق.م با شکست داریوش سوم و پس از تصرف تخت جمشید، قصر را طعمه «حریق عمدی» می‌کند (ایمانپور، ۱۳۹۳: ۱). با توجه به تعدد در آتش‌سوزی، مشخص می‌شود که تخت جمشید و مجموعه اطراف آن در هنگام جنگ تخریب نشده است و خرابی‌های کاخ و متروک شدن آن ناشی از «دستور سیاسی» پس از جنگ بوده است. حملات اعراب مسلمان به ساسانیان نیز در قرن هفتم میلادی صورت گرفت و سرزمین ایران به تصرف مسلمانان درآمد، پس از فتح مدائن در سال ۶۳۷ میلادی، اراضی کنار چاه‌هایی که صاحبانشان جلای وطن کرده بودند، به اختیار فاتحان درآمد و حیات شهر تداوم یافت (بلاذری، ۱۳۳۷: ۲۹۲). دو قرن پس از تصرف (۸۶۱ میلادی)، محمدمنتصر خلیفه عباسی پس از رسیدن به خلافت، به مردم دستور داد که از حوزه مدائن منتقل شوند و منازل را ویران کنند و مصالح شکسته را به بغداد ببرند. با این کار، در عرض یک سال (۸۶۲ میلادی) منازل و بازارهای تیسفون ویران گشت (پیشین، ۲۹۷). با بررسی تواریخ فوق مشخص می‌شود که حیات شهر تا سال ۸۶۲ میلادی ادامه پیدا کرده است (سبیب، ۱۳۵۰: ۲۶۵) و حکمرانی



اواسط قرن ۱۶ میلادی، آغازگر دوره‌ی جدیدی در تاریخ جنگ است که به عنوان جنگ‌های نسل اول شناخته می‌شود (آراسته، ۱۳۸۹: ۵۹). از جمله این جنگ‌ها، فتح قسطنطنیه است که با اختراع سلاح گرم و با استفاده از توپ‌های جنگی رخ داد. بعد از فتح، سلطان محمدفاتح دستور داد که کلیسای ایاصوفیه را به صورت مسجد درآوردند (دوران، ۱۳۳۷: ۲۲۲)، (تصویر ۲). او بیست روز در شهر به سر برد و به نظم امور پرداخت. در این زمان فرمانی دال بر اعلان امنیت برای سکنه شهر صادر نمود تا مردمی که از شهر گریخته بودند دوباره به آن برگردند و به کار و فعالیت عادی بپردازند (والتاری، ۱۹۸۴: ۱۵۳). بنابر مطالب تاریخی از فتح قسطنطنیه مشخص می‌شود که شهر در هنگام جنگ دچار آسیب جدی نشده و امکان ادامه زندگی و فعالیت در آن پس از جنگ میسر بوده است. علاوه بر این انتخاب شهر به عنوان پایتخت جدید دولت عثمانی دلالت بر عدم تخریب شهر در هنگام جنگ دارد.

از دیگر جنگ‌های نسل اول که منجر به فتح شهرها شده است می‌توان به فتح دهلی توسط نادرشاه (۱۷۳۹ م) در نبرد کرنال نام برد. او پس از فتح، در شهر سخنرانی کرد و سپس تمام مناطق را به محمدشاه بازگرداند و دستور به برقراری زندگی عادی در شهر داد (آکسورتی، ۲۰۰۶: ۲۱۳). آنچه که از متن استدلال می-



تصویر ۲. بالا: کلیسای هاگیا صوفیا قبل از فتح شهر
پایین: تبدیل کلیسا به مسجد با الحاق شدن چهار مناره رفیع
ترکی به دستور محمدفاتح. ماخذ: URL2

با خاک یکسان کنند تا اثری از آن باقی نماند. آن‌ها بدین منظور سد ساحل رود آمو را ویران و شهر گرگانج را غرق در آب نمودند (غفوروف، ۱۳۷۷: ۷۰۲). از بررسی متن فوق استنباط می‌شود که تخریب شهرهای سمرقند و گرگانج پس از پایان جنگ و فتح آن‌ها و براساس دستور حکومتی چنگیزخان بوده است، که نتیجه آن، بی‌معنی شدن بنیان‌های شهری و معماری-به دلیل تفکرات عشیره‌ای و بیابان‌گردی مهاجمان- بوده است. بازسازی شهرهای تخریب شده، پس از سه قرن و در دوران تیموریان و براساس مبانی سبک آذری انجام شد (حبیبی، ۱۳۹۳: ۷۹-۸۴)، بنابراین می‌توان گفت رویکرد بازسازی در آن دوران، توجه به پیشینه تاریخی و نیازهای جدید براساس شرایط زمانی بوده است.

۶-۱-۲- جنگ‌های صلیبی

جنگ‌های صلیبی، سلسله جنگ‌های دویست‌ساله‌ای هستند که اروپاییان مسیحی در قرن یازدهم تا سیزدهم میلادی علیه مسلمانان به راه انداختند (ماله و ایزاک، ۱۳۸۴: ۲۰۶). نکته قابل توجه در طی جنگ‌های صلیبی، اسکان و زندگی دانشمندان مسیحی هنگام جنگ‌ها در شهرهای مسلمانان و فراگیری علوم مختلف از آنان بود، حتی با الگوبری از بناهای آنان، فضاهایی مثل بیمارستان، حمام، کاروانسرا و دانشگاه در اروپا احداث شد. علاوه بر این، هنرهایی مانند گنبدسازی، فلزکاری، پنجره‌سازی و لعاب‌کاری را نیز آموختند (رضایی، ۱۳۸۶: ۳۵-۱۴۱). بنابراین نظر می‌رسد که شهرهای درگیر با جنگ در طی سال‌های طولانی کارزار، محلی برای انجام مراودات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده و در طی مدت جنگ‌ها دچار آسیب‌های جدی نشده است. حتی این شهرها و علوم جاری در آن‌ها تاثیرات مثبتی بر کشورهای اروپایی بجای گذاشته است. بنابراین می‌توان گفت که ساختار شهرهای اسلامی پس از اشغال و بازپس‌گیری و در طی دو قرن درگیری دچار انحطاط و تخریب نشده بودند، حتی مهاجمان خود را از نظر فرهنگی به اسارت گرفتند.

۶-۲- جنگ‌های نسل اول

دستیابی به فناوری استفاده از باروت و اختراع سلاح گرم و فراگرفتن تاکتیک رزمی اولیه در اواخر قرن ۱۵ تا



نقشه‌های هوایی این شهر در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم، می‌توان آثار مخرب جنگ را بر کالبد شهر مشاهده نمود. این تخریب به حدی گسترده بود که بیور (۱۳۸۸) می‌نویسد: «...و برلین هر روز بیشتر به ویرانه‌ای غرق در آتش و دود تبدیل می‌شد». جنگ به همراه سیاست زمین سوخته^۲، ۲۰ درصد از کل ساختمان‌های مسکونی این کشور را نابود و بیش از ۸۰ درصد آثار معماری در بسیاری از شهرها دچار آسیب کرد (هندرسون، ۲۰۰۹)، (تصویر ۳). پس از خاتمه جنگ، کشورهای پیروز اقدام به تقسیم آلمان به چهار بخش مجزا نمودند. با توجه به تفاوت نگرش دولت‌های متولی، انتظار آن می‌رفت که رویکردهای مختلفی برای بازسازی آلمان در بخش‌های غربی و شرقی مورد استفاده قرار گیرد. اما در عمل وجه مشترک هر دو، عدم توجه به پیشینه تاریخی شهرها و بناها برای بازسازی‌ها بود که منجر به نتایج تقریباً مشابه در بازسازی‌ها شد. در آلمان غربی با استفاده از طرح مارشال^۳، اقتصاد روبه بهبودی



تصویر ۳. بالا: بافت قسمتی از شهر برلین قبل از بمباران پایین: همان ناحیه پس از بمباران، تخریب حداکثری بناها و بافت در حین جنگ، بکارگیری سیاست زمین سوخته توسط نازی‌ها میزان خرابی‌ها را تشدید نموده است.

ماخذ: URL3

گردد عدم تخریب شهر پس از نبرد است. بنابر منابع می‌توان گفت که ادوات جنگی نسل اول تاثیر حداقلی بر ساختار کالبدی ساختمان‌های شهر داشته و سلاح‌های آتشین، تصرف شهر را تسهیل می‌کردند، به صورتی که پس از سقوط شهرها، فاتحان دستور «ترمیم جزئی» بخش‌های آسیب دیده شهر را صادر نموده و بر ادامه حیات شهر تاکید کردند. حتی در فتوحات مهم، شهر مفتوح به عنوان پایتخت جدید انتخاب می‌شده است. همچنین تغییر کاربری بناهای مهم و اصلی شهر (مثل تبدیل معبد یا کلیسا به مسجد و مانند آن) دال بر عدم تخریب بافت شهرهاست. بنابراین تخریب و یا تغییر کاربری آثار معماری در جنگ‌های نسل اول، به دلایل سیاسی، فرهنگی و یا اقتصادی پس از کارزار و در طول زمان صورت گرفته و سلاح‌های جنگی تاثیرات مخربی بر ساختار شهر نداشته و یا تاثیرات آن‌ها به صورت حداقلی بوده است.

۳-۶- جنگ‌های نسل دوم

رشد تکنولوژی و ظهور فناوری‌های پیشرفته‌تر از قبل، هسته اصلی جنگ‌های نسل دوم بود. هم‌زمان با تغییر شکل زندگی مردم، ورود پدیده‌های انقلاب صنعتی در نبرد نیز عینیت یافت. تولید انبوه تسلیحات و ادوات نظامی پیشرفته، صنایع نظامی را پدید آورده و سرانجام جنگ شدید تسلیحاتی بین قطب‌های صنعتی آغاز گردید. خصیصه این جنگ‌ها استفاده از توپخانه با قدرت آتش زیاد و یگان‌های هوایی و زرهی با حداکثر قدرت آتش بود (آراسته، ۱۳۸۹: ۷۹). در جنگ نسل دوم، ساختار شهرها و بناها از پیامدهای جنگ مصون نبودند، بلکه عمداً هدف نیروی مهاجم قرار می‌گرفتند تا وحشت و آشفتگی عمومی ایجاد و در نتیجه از توانایی رهبران دولتی و نظامیشان در نشان دادن واکنش کاسته شود (گاوین، ۲۰۰۴: ۱۹۸). نیروهای مهاجم در جنگ نسل دوم، شهر و تمام عوامل وابسته به آن را وسیله دستیابی به اهداف خود می‌دانستند. با بررسی تاثیرات جنگ‌های نسل دوم جنگ در برخی از شهرهای درگیر، می‌توان راهکارهای بازسازی آنان را مورد تدقیق قرار داد.

۳-۶-۱- برلین

برلین در طی جنگ به دلیل استفاده مهاجمان از بمب‌های هوایی سنگین، به شدت آسیب دید. با بررسی



کرد (رستم‌علیزاده، ۱۳۹۱: ۶۳). در بازسازی‌های فاز اول پس از جنگ، سرعت دارای اولویت بوده است. در فاز دوم بازسازی‌ها (تا سال ۱۹۸۰ م.) برنامه‌ریزان شهری رویکرد جدیدی را پیش گرفتند و در ایده‌های خود تجدید نظر کرده و تفکر رادیکال سال‌های اول پس از جنگ جای خود را به نوسازی محتاطانه داد. موزه‌های جنگ براساس این تفکرات بنا شده‌اند (تصویر ۴.ب). فاز سوم به عنوان جنبش رنسانس در آلمان قوت گرفت. جنبشی که به تاریخ و فرم‌های نوستالژیک علاقه داشت (تصویر ۴.ج). در طراحی شهری در این دوران به مرکز شهر توجهی ویژه شد و گفته می‌شد که مرکز شهر باعث ایجاد حس هویت در هر شهر شده و مانند نشانه‌ی شاخصی است که به جهت‌یابی مردم شهر کمک می‌کند. در این زمان شهرهای تاریخی بسیار مورد توجه بودند (اوربان، ۲۰۱۸: ۱۰۶). با بررسی تاریخ معماری معاصر جهان، تقارن زمانی بازسازی‌های فاز دوم و سوم آلمان با تسری اصول پست مدرنیسم قابل استنباط است. بازسازی‌های یاد شده در سال‌های ۱۹۸۰ م. به بعد انجام شده، در این زمان پست‌مدرنیسم به عنوان جنبشی فراگیر در معماری و شهرسازی مورد اقبال معماران و مخاطبان بوده‌است (قبادیان، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

نهاد و با بهبود اقتصاد امکان بازسازی آثار جنگ فراهم آمد (بوین، ۱۳۹۴: ۹۸). بازسازی پس از جنگ با توجه به مساعدت‌های مالی کسب شده از این طرح، فرصت مناسبی را برای معماران و برنامه‌ریزان فراهم آورد تا الگوی جدید برنامه‌ریزی شهری برای احداث «شهر با تراکم» را صورت دهند. این ایده جایگزین مدل «شهر پراکنده» شد. مجتمع‌های مسکونی مبتنی بر نظریه «شهر با تراکم» برای شهروندان ساخته شدند. در همین زمان در آلمان شرقی دو میلیون مجتمع مسکونی شبیه به هم به صورت ردیفی و با مصالح پیش‌ساخته صنعتی احداث شده بود. این برنامه منجر به انحصار دولت در ساختمان‌سازی و شکل‌گیری خانه‌های کاملاً استاندارد و مشابه شد (اوربان، ۲۰۱۸: ۱۰۱). در فاز اول بازسازی‌ها طراحان سعی کردند که شفافیت، وضوح و نظم و ترتیب را جایگزین اغتشاش و بی‌نظمی شهرهای کلاسیک آلمان کنند. این بازسازی‌ها تحت تاثیر اصول معماری مدرن متأخر که در بازه زمانی پس از جنگ (۱۹۴۵ م) تا سال ۱۹۷۰ م. سبک آوانگارد در معماری و شهرسازی محسوب می‌شد صورت گرفت (قبادیان، ۱۳۹۱: ۷۲)، (تصویر ۴.الف). اما نتیجه باعث بهبود کیفیت زندگی مردم نشد و تنهایی، افسردگی و کسالت را برای مردم ایجاد



ج

ب

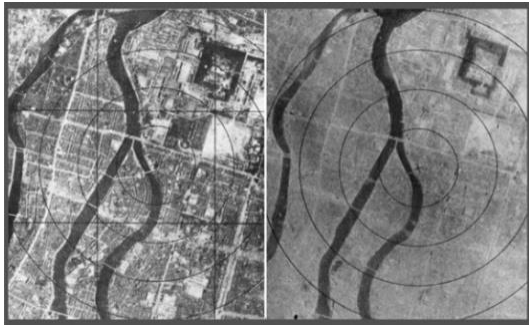
الف

تصویر ۴.الف: محله مسکونی در برلین، بازنگری در ساخت و الگویابی و عدم توجه به ساختمان‌های قبل از تخریب در احداث فضاهای جدید شهری و معماری در جهت اسکان فوری آسیب‌دیدگان، بیشتر بازسازی‌ها در سال‌های اولیه پس از پایان جنگ بر این اساس انجام شده است. ب: بازنده‌سازی اردوگاه کار اجباری مهاجران (برلین)، احداث یادبود قربانیان هلوکاست، با توجه به علاقه برنامه‌ریزان به احداث فضاهای شهری مشابه دوران قبل از جنگ از این رویکرد در بازسازی‌ها به صورت حداقلی استفاده شد.

ج: دوباره‌سازی ساختمان‌ها و بافت شهری برلین مشابه قبل از جنگ، به دلیل علاقه برنامه‌ریزان و استفاده‌کنندگان به فراموشی جنگ، این

رویکرد با اقبال بیشتری نسبت به رویکرد بازنده‌سازی مواجه شد. ماخذ: URL4





تصویر ۵. بافت شهری هیروشیما قبل و پس از انفجار هسته‌ای، تخریب دو سوم از بناهای شهر در شعاع یک و نیم کیلومتری از مرکز انفجار. ماخذ: URL5

با اجرای این بازسازی‌ها در مقیاس وسیع، رابطه میان مسکن و طبیعت که اساس خانه‌های سنتی ژاپن بود قطع شد. همین گسستگی در سازماندهی بافت شهری نیز مشاهده می‌شود (بنه‌ولو، ۱۳۷۲: ۳۴۵). بنابر نظر باکستر (۱۳۸۴) فرهنگ، نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وارداتی از طرف کشور اشغالگر عامل اصلی در بازسازی هیروشیما پس از جنگ جهانی دوم بوده است. با بررسی نحوه بازسازی آثار خرابی‌های پس از جنگ در ژاپن و نیاز به سرعت در اسکان بازماندگان، رویکرد اصلی در بازسازی‌ها بر اساس اصول مدرنیسم شکل گرفت و ساختار قبلی فراموش شد (تصویر ۶ الف). اما با

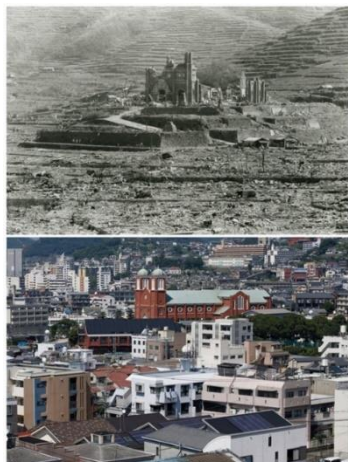
بنابراین در بازسازی آلمان، پس از جنگ جهانی دوم، سه رویکرد اصلی قابل استنباط است. رویکرد اول، مربوط به سال‌های اولیه پس از جنگ است. این رویکرد با دیدگاهی کمیت محور و مدرن، در پی بازسازی با سرعت برای اسکان دادن آسیب‌دیدگان بوده که نتیجه حاصل از آن به وجود آمدن صدمات رفتاری در شهروندان است. رویکرد دوم، دیدگاهی احتیاطی داشته (پست‌مدرن) و در پی بازسازی شهرها برای ارتقای کیفیت زندگی ساکنان براساس نیازهای جدید و با توجه به سابقه تاریخی شهرها بوده است. این رویکرد تحت تاثیر رویکرد سوم در مدت کوتاهی به دست فراموشی سپرده شد. رویکرد سوم نیز با دیدگاهی پست‌مدرن در پی ساختن بناها و شهرها مطابق با ساختار مشابه پیش از جنگ برای زنده کردن حس نوستالژیک شهروندان بوده است.

۳-۲-۶ هیروشیما

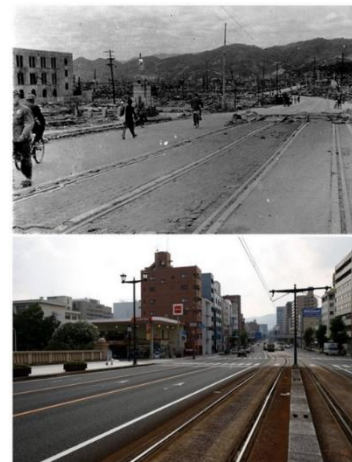
ارتش آمریکا در سال ۱۹۴۵ میلادی شهر هیروشیما را با بمب‌های اتمی هدف قرار دارد و باعث تخریب ۸۱ درصد مجموع خانه‌های آن شهر شد (تصویر ۵) و مابقی بناها آسیب جدی دید (ویفرید، ۱۳۵۵: ۳۳۵). بازسازی از سال ۱۹۵۰ م به وسیله نیروهای آمریکایی با وضع اولین قانون درباره احداث ساختمان‌ها با کمک دولت صورت گرفت.



ج



ب



الف

تصویر ۶ الف: پل آیوئی هیروشیما، بازنگری در جایگزینی خرابه‌های ناشی از انفجار هسته‌ای با ساختمان‌های جدید و عدم توجه به شکل ابنیه در قبل از انفجار، می‌توان گفت بازسازی مدرن برای اسکان سریع بازماندگان و فراموشی آثار مخرب جنگ در ذهن ایشان بوده است.

ب: دوباره‌سازی کلیسای جامع اوراکامی با توجه به جایگاه و شکل قبلی، استفاده از عناصر قبل از انهدام برای ایجاد هویت شهری قبل از بمباران.

ج: باززنده‌سازی ساختمان سوخته‌ی تالار ترویج صنعتی، احداث شده در سال ۱۹۶۶، در حال حاضر با نام یادمان صلح هیروشیما شناخته

می‌شود. ماخذ: URL6





تصویر ۷. نظام ساختاری بازسازی لندن.
محدوده الف: سطح کنت‌نشین و متراکم قدیمی شهر
ب: حومه‌های نیازمند به عمران و تجهیزات
ج: کمربند سبز
د: محل احداث محلات اقماری. ماخذ: URL7

براین اساس می‌توان گفت که بازسازی‌ها در انگلستان بدون تعجیل و براساس قوانین جدید برآمده از شرایط پساجنگ صورت گرفته است. بدین ترتیب که تمامی ساخت‌وسازها مبتنی بر مطالعات گروه‌های تحقیقاتی و تبدیل شدن به قانون رخ داد. در بازسازی لندن می‌توان سه رویکرد اصلی را مشاهده نمود. رویکرد اول بازسازی بخش قدیمی، رویکرد دوم بهسازی محلات اطراف هسته اولیه و رویکرد سوم ایجاد مراکز جدید سکونت برای آسیب‌دیدگان. شاید یکی از دلایل توجه به تاریخ شهری و سعی در بهسازی محیط جدید با تشکیل شهرهای اقماری در اطراف لندن، استقلال در تصمیم‌سازی با توجه به پیروزی در جنگ بوده است. این رویکردها در شهرسازی و بازسازی آثار معماری موجب حفظ هویت شهری لندن و همخوانی فضای آن براساس نیازهای جدید دوران پساجنگ گردید.

۴-۳-۶- ورشو

ورشو نیز از جمله شهرهایی بود که با سیاست زمین-سوخته‌نازی‌ها مواجه شد. به صورتی که ۸۰ درصد ساختمان‌ها ویرانه بود و از ۷۸۰ ساختمان ثبت شده تاریخی تنها ۳۵ ساختمان جان سالم به در بُرد (نیمژیک، ۱۹۹۸: ۳۰۱). بازسازی خیابان‌ها و ساختمان‌های قابل تعمیر بلافاصله پس از جنگ آغاز شد و ساخت مخروبه‌ها، اول برنامه‌ریزی و بعد شروع شد (ویل و کامپانلا، ۱۳۹۷: ۱۱۳). اراده عمومی در برنامه‌ریزی برای بازسازی شهر «از نو خلق کردن» تمام ساختمان‌ها مشابه

بررسی آثار بازسازی شده در دوران پساجنگ، دو رویکرد دیگر به صورت حداقلی در بازسازی‌ها دیده می‌شود. یک رویکرد مربوط به بازسازی آثار هویتی شهر براساس تصاویر قبل از تخریب است. این رویکرد به میزان حداقلی و فقط برای برخی ابنیه مهم در سطح شهرها بکارگرفته شد (تصویر ۶ب). رویکرد دیگر مربوط به حفظ برخی از آثار جنگی در شمایل پس از تخریب و ایجاد یادمان پس از جنگ است (سپهر، ۱۳۸۱: ۱۲۳)، (تصویر ۶ج). بنابراین سه رویکرد برای بازسازی آثار معماری و بافت شهری در ژاپن با توجه به مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد استفاده قرار گرفته است. در این میان بخش اعظم بازسازی‌ها براساس فرهنگ وارداتی و اقتصاد وابسته به کشور فاتح براساس معماری مدرن و نوسازی ساختار بدون توجه به گذشته صورت گرفته است که اسکان سریع آسیب‌دیدگان را ممکن ساخت اما باعث تغییرات فرهنگی فراوان در ساختار شهرها و ابنیه ژاپنی گردید.

۳-۳-۶- لندن

بلیتس نام عملیات بمباران هوایی لندن در خلال جنگ جهانی دوم بود که تخریب فراوانی برجای گذاشت. بمباران‌های وسیع لندن نقشی اساسی در وضع قوانین جدید شهرسازی برای بازسازی انگلستان ایفا می‌کند. در سال ۱۹۴۱ میلادی دو کمیسیون برای انجام مطالعات بازسازی تعیین شد. همزمان مطالعات نظام بخشیدن به پلان لندن نیز ادامه یافت (بنه‌ولو، ۱۳۷۲) و در سال ۱۹۴۴ «شورای منطقه‌ای لندن» پلان بازسازی را براساس راهبردهای زیر تصویب کرد:

الف) «حلقه داخلی» که تمام سطح کنت‌نشین لندن را می‌پوشاند و ویژگی آن تراکم بسیار زیاد است.

ب) «منطقه حومه‌ها» که از تراکم مناسبی برخوردار است ولی به عمران و تجهیزات مناسب نیاز دارد.

ج) «کمربند سبز»، منطقه عریض سبز حول شهر فعلی که از ساخت و ساز حفظ شود.

د) «حلقه خارجی»، که در آن برخلاف قسمت‌های دیگر باید مراکز جدیدی-نه به صورت حومه یا خوابگاه، بلکه به صورت شهرهای جدید که برای برخورداری از یک زندگی مستقل مناسب باشد-توسعه یابد (پیشین)، (تصویر ۷).



ظهور کردند. از جمله این جنگ‌ها می‌توان به جنگ تموز (جنگ ۳۳ روزه لبنان و اسرائیل) و جنگ ایران و عراق اشاره کرد (آراسته، ۱۳۸۹).

۶-۴-۱- جنگ تموز

جنگ تموز خسارت فراوانی به ساختارهای لبنان وارد کرد. به نحوی که ۱۵ هزار خانه بصورت کامل نابود و هزاران مرکز حساس از بین رفتند. پس از پایان جنگ، بازسازی آثار آن توسط حزب‌الله لبنان آغاز شد. بازسازی‌های در ضاحیه جنوبی بیروت با رویکرد بهبود شرایط نسبت به دوران قبل از جنگ صورت گرفت. شرایط جدیدی در بازسازی‌ها به اجرا گذاشته شد تا علاوه بر شرایط کالبدی، بهبود شرایط اجتماعی نیز در نظر گرفته شود (رویوران، ۱۳۸۵). در نتیجه این بازسازی‌ها، ضاحیه جنوبی بیروت با رویکرد الگویابی مجدد در طراحی و ساخت بازسازی شد. در بازسازی‌ها، حل معضلات شناسایی شده قبل از جنگ مد نظر بود و تخریب ناشی از جنگ به عنوان یک فرصت برای بهبود شرایط قبلی توسط گروه بازسازی انجام شد. با توجه به وسعت کم کشور لبنان، باید به این نکته توجه کرد که بازسازی‌های انجام شده در مقیاس کمتری نسبت به دیگر جنگ‌های نسل سوم (از جمله جنگ عراق با ایران) بوده و مبتنی بر یک رویکرد صورت گرفته است.

۶-۴-۲- جنگ تحمیلی ایران

جنگ عراق بر علیه ایران نیز از جمله جنگ‌های مخرب در نسل سوم جنگ‌ها بود، در این جنگ آسیب‌های جدی به معماری و شهرسازی ایران وارد شد، به طوری که بر اثر جنگ، ۸۷ شهر آسیب فراوان دیده و یا تخریب شدند و با ورود جنگ به مرحله بمباران شهرها میزان تخریبات افزایش یافت (پوراحمد، ۱۳۷۷: ۹۴)، (جدول ۲).

جدول ۲- تعداد واحدهای تخریب شده برخی از استان‌ها در جنگ تحمیلی تا سال ۱۳۶۹ (ماخذ: پوراحمد، ۱۳۷۷: ۸۹)

استان	کل واحدهای تخریب شده
خوزستان	۱۶۳۲۷۳
کرمانشاه	۷۸۴۳۳
ایلام	۴۵۵۵۱
لرستان	۲۲۶۱۷
کردستان	۲۴۱۷۶
آذربایجان غربی	۷۹۸۲

قبل از تخریب بود. دلیل آن نیز روشن است: «علاقه مردم به حفظ هویت تاریخی و فرهنگی لهستان» (جانکوفسکی، ۱۹۹۰: ۸۹). این برنامه مبتنی بر بازسازی مو به موی گذشته بود. بازسازی ورشو، ارزش تبلیغاتی فراوانی برای نیروهای شوروی داشت (ماژوکوفسکی، ۱۹۸۹: ۶). در همین راستا کتاب طرح شش ساله برای بازسازی ورشو در سال ۱۹۴۹ میلادی تهیه شد، و در سال ۱۹۸۰م شهر در فهرست مکان‌های میراث جهانی یونسکو ثبت شد. اما بازسازی‌ها برای پاسخ دادن به نیازهای جدید تغییر فضاهای داخلی ساختمان‌ها را در پی داشت، این اقدام را «مدرنیزاسیون» نامیدند. از آنجا که کاربری شهر باید به یک منطقه مسکونی سوسیالیستی تبدیل می‌شد فضاهای داخلی بنا نیز باید نیازهای مرتبط با طبقه کارگر لهستان و فقدان هرگونه تمایز طبقاتی را بازتاب می‌داد، بنابراین برنامه شش ساله مصوب، فضاهای داخلی را بدین منظور طراحی و هدایت کرد (ویل و کامپانلا، ۱۳۹۷: ۱۱۹). شرایطی که در بازسازی‌ها اتفاق افتاد شامل بازسازی در قالب ظواهر مورد پذیرش مردم و لحاظ کردن تغییراتی در کاربری و ملزومات عام مسکن براساس خواست حکومت بود، به معنای آن‌که هرگز بازآفرینی اصولی و معتبری انجام نشد و شهر حس چیزی «مصنوعی» را به بازدیدکنندگان منتقل می‌کرد و بیشتر شبیه به «دکور فیلم‌های سینمایی» بود (هرن، ۲۰۰۳: ۱۷). با توجه به مطالب فوق، چنین به نظر می‌رسد که بازسازی ورشو پس از جنگ ظاهراً منطبق با خواست مردم اما در عمل مبتنی بر ایدئولوژی سوسیالیستی رژیم وابسته به شوروی انجام شده است. یعنی بازسازی کالبدی براساس رویکرد بازآفرینی مجدد آثار بوده اما محتوای بازسازی‌ها براساس اصول مدرنیسم مورد پذیرش کمونیست‌ها صورت گرفته است.

۶-۴-۳- جنگ‌های نسل سوم

اگر جنگ‌های نسل دوم حاصل تکنولوژی قلمداد شوند، جنگ‌های نسل سوم را باید محصول تکنولوژی‌های توان‌آور^۴ دانست. تقریباً تمامی تکنولوژی‌های اصلی ارتش‌های دنیا (موشک‌های مدرن و اختراع رادار و حضور مخابرات در جنگ) در این دوره پا به عرصه وجود نهادند و پس از جنگ جهانی دوم، جنگ‌های نسل سوم



پس از تغییرات عمده در نگرش‌ها استوار است. این نوع جنگ تغییرات عمده‌ای دارد و کشورها انحصار خشونت را از دست می‌دهند و مجبور می‌شوند با بازیگران غیردولتی بجنگند. به بیان بهتر، این نوع جنگ به دنیای فرهنگ‌ها وارد می‌شود. ابزار این جنگ نافرمانی مدنی، نشر اطلاعات گمراه‌کننده و تهاجم به اراده دشمن است (جیجونو، ۱۳۸۸:۱۳۱). چون شهرها و آثار معماری تجلی ارزش‌های اجتماعی و هویت هستند (نقی‌زاده، ۱۳۷۹:۱۴) و تاثیرات معماری و شهرسازی به عنوان ظرف زندگی (حجت، ۱۳۹۰:۲۰۶) بر رفتارهای مخاطبان امری اثبات شده است، با تغییرات در سلیقه و سبک معماری و شهرسازی می‌توان رفتارهای قبلی مخاطبان محیط را به صورت آگاهانه با رفتارهای جدید جایگزین کرد (دورک، ۱۳۹۴:۱۲۹). بنابراین شهرسازی و معماری می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای جنگ نسل چهارم در راستای تغییر سلیقه و فرهنگ مخاطب مطرح گردد، در این سبک از جنگ، معماری به عنوانی یک سلاح مورد بهره‌ر قرار خواهد گرفت.

۶-۶- جنگ‌های نسل پنجم

جنگ‌های نسل پنجم، جنگ‌های اطلاعاتی، الکترونیکی، سایبری هستند، «اقدامات اتخاذ شده برای تحقق برتری اطلاعاتی بر سامانه‌های الکترونیکی دشمن که از راهبرد نظامی پیشینیانی می‌کنند» مبین جنگ‌های نسل پنجم است. این نسل از جنگ بیشتر مربوط به فناوری‌های نوین اطلاعاتی بوده و اهداف آن تجهیزات نوین نظامی و اطلاعاتی است و غالباً از آن‌ها به عنوان جنگ‌های آینده نام برده می‌شود (نای، ۲۰۱۱:۸). جنگ‌ها در آینده از جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و بهداشتی نسبت به جنگ‌های گذشته بسیار متفاوت خواهند بود. می‌توان جنگ‌های آینده را از نظر محیط به عنوان جنگ در «محیط ویژه» یاد کرد. همچنین توجه به اصل غافلگیری، جنگ‌های آینده مخصوص سطح تاکتیکی جنگ نیست، بلکه این اصل در سطح راهبردی هم جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت. جنگ‌های آینده سریع، قاطع و با استفاده از ارزیابی همه‌جانبه اطلاعاتی رخ می‌دهند (حیدری، ۱۳۹۱:۵۸). با توجه به خصوصیات جنگ‌های نسل پنجم و آینده‌پژوهی در جنگ و معماری به صورت

در سال ۱۳۶۱ «ستاد مرکزی بازسازی مناطق آسیب دیده از جنگ»، کار بازسازی مناطق تخریب شده را آغاز کرد. بازسازی‌های ایران از لحاظ زمانی در دو حیطه حین و پس از جنگ قابل بررسی است. تشکیل شورای عالی بازسازی در زمان جنگ (۱۳۶۱) رویکرد جدیدی در بازسازی به وجود آورد. این رویکرد، به نام «جنگ بازسازی» شناخته شد (بینام، ۱۳۶۱:۱۸). در هنگام جنگ، مهاجرت افراد آسیب‌دیده به شهرهای دیگر، مسائل جدید در مدیریت شهری ایجاد کرد. برای حل این مسئله، مسکن‌سازی جهت اسکان مهاجران جنگی در شهرهای مختلف براساس اصول معماری بین‌الملل و مدرن انجام شد، که برای مهاجران محیطی نامأنوس را ایجاد کرد (تبریزی، ۱۳۷۱:۲). نیاز به اسکان سریع آسیب‌دیدگان جنگی، زمینه بکارگیری سبک موسوم به «بین‌الملل» را در بازسازی‌ها فراهم کرد (مخبر، ۱۳۶۴:۱۵).

با مطالعه و بررسی بازسازی ایران پس از جنگ می‌توان چهار دسته‌بندی کلی در این زمینه بیان کرد:

۱- الگویابی مجدد در ساخت بافت و بناها. که رویکرد اصلی کشور در حین جنگ و پس از دوران جنگ بود.

۲- دوباره‌سازی مشابه آثار قبل از تخریب. این رویکرد به صورت گسترده مورد استقبال دولت‌ها و مردم قرار نگرفت.

۳- باززنده‌سازی آثار براساس نیازهای جدید. در این مورد می‌توان گفت که نظرات کارشناسان و برنامه‌ریزی‌های دولت در حین جنگ، براین اساس بود. اما به نظر می‌رسد که در پیاده‌سازی این رویکرد توفیق زیادی حاصل نشده است.

۴- رویکرد چهارم را می‌توان شیوه «انفعال» دانست که بی‌توجهی به بناهای آسیب دیده، محلات و ساختمان‌های از بین رفته در طول جنگ را شامل می‌شود. کاستی‌ها در بکارگیری هریک از رویکردهای سه گانه فوق منجر به ایجاد رویکرد چهارم، تحت عنوان انفعال در بازسازی شده است.

۶-۵- جنگ‌های نسل چهارم

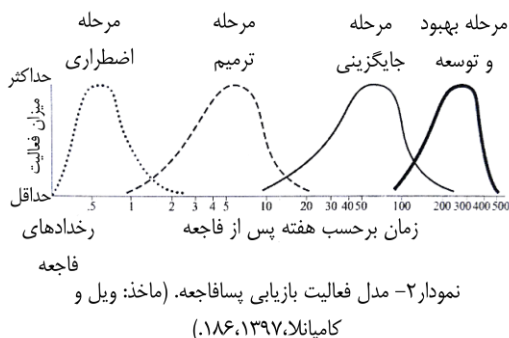
عبارت جنگ نسل چهارم را ویلیام لینده‌ابداع و نظریه آن را در کتاب «تغییر چهره جنگ: به سمت جنگ نسل چهارم» ارائه کرد. این نظریه بر تکامل جنگ‌های نوین



جدول ۳- تاثیر نسل‌های جنگ بر ساختار شهرها (ماخذ: نگارنده)

نوع جنگ	تسلیحات مورد استفاده	تاثیر بر کالبد شهر
بدوی	انواع سلاح‌های بدوی و سرد	تقریباً بدون صدمه به کالبد، تغییر کاربری براساس محتوای جدید
نسل اول	سلاح‌های گرم اولیه	تخریب حداقلی در کالبد، تغییر کاربری براساس محتوای جدید
نسل دوم	سلاح‌های گرم سنگین	تخریب کلی بافت شهر در طول جنگ
نسل سوم	سلاح‌های گرم پیشرفته	تخریب حداکثری در بافت شهر در هنگام جنگ
نسل چهارم	رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی	تغییر نگرش فرهنگی، تغییر محتوا، درازمدت تسلط بر محتوا و کالبد
نسل پنجم	جنگ افزارهای الکترونیکی	نامشخص (نیازمند به آینده پژوهی در حوزه جنگ و معماری)

هدایت می‌کند. مدل بازیابی نیز متکی بر این عوامل ارائه شده است و فرآیند بازیابی را به چهار مرحله متمایز (اما دارای همپوشانی) تقسیم می‌کند: «۱- واکنش‌های اضطراری، ۲- ترمیم آنچه ترمیم‌پذیر است، ۳- بازسازی آنچه ویران شده به قصد جایگزینی عملکردی، ۴- بازسازی برای یادآوری، بهبود و توسعه» (نمودار ۲)، (پیشین، ۱۸۴).



بر همین اساس، نحوه مواجهه کشورها با آثار جنگ در طول تاریخ متفاوت و براساس شرایط مختلف (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی-فرهنگی و مانند آن) تغییراتی داشته است. اما به صورت کلی می‌توان گفت هر بازسازی‌ها برای «جایگزینی، بهبود، یادآوری یا توسعه» در یکی از سه حالت زیر قرار خواهد گرفت (با اقتباس از کوپ، ۲۰۷: ۱۳۶۶):

- ۱- تغییر الگو به تمام معنا در کالبد، مفاهیم و ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و محیطی گذشته (الگویابی مجدد)
- ۲- دوباره‌سازی مشابه گذشته و تاکید همه‌جانبه بر شباهت کامل به بنای قبلی (دوباره‌سازی)

همزمان می‌تواند در راستای شناسایی اثرات و بازسازی آن‌ها مفید واقع شود. براساس مطالب بیان شده، می‌توان ادعا نمود که شهرها در هر نسلی از جنگ تحت تاثیر آن قرار داشته‌اند. این تأثیرپذیری در نسل‌های صفر و یک، پس از دوران جنگ نمود بیشتری داشته و در نسل‌های دوم و سوم در حین جنگ، شهرها را دست خوش تغییرات کرده‌اند. بنا به گفته کارشناسان، جنگ‌ها در حال تغییر چهره در نسل چهارم و حتی پنجم هستند. این نسل از جنگ در پی تسلط بر محتواست. تسلط بر محتوای فرهنگی به مرور منجر به تغییر کالبد مورد نظر گروهان مهاجم خواهد بود و تاثیرات بلندمدتی بر معماری و شهرسازی خواهد داشت. با توجه به جدول ۳ در یک دسته‌بندی کلی‌تر، می‌توان با توجه به حجم خرابی‌ها، نسل‌های مشابه را دسته‌بندی نمود.

۷- مطالعات و بررسی‌ها: انواع رویکردهای بازسازی پس از جنگ

بازسازی پس از فجایع به دو عامل بستگی دارد: ۱- متکی به نهادهای اقتصادی است ۲- متکی بر فرهنگ‌ها، ایده‌ها و انگیزه‌های مردم و دولت‌هاست (ویل و کامپانالا، ۱۳۹۷، ۵۰). در بررسی‌ها مشخص شد که اقتصاد پس از جنگ در کشورهای آسیب‌دیده وابسته به دولت-های قانونی یا متخاصم است. فرهنگ و انگیزه بازسازی نیز براساس «روایت فاجعه» توسط متولیان بازسازی صورت می‌گیرد و خواست عمومی در بازسازی‌ها را



۳- پیوند گذشته با حال و معاصرسازی کالبد پیشین (باززنده‌سازی).

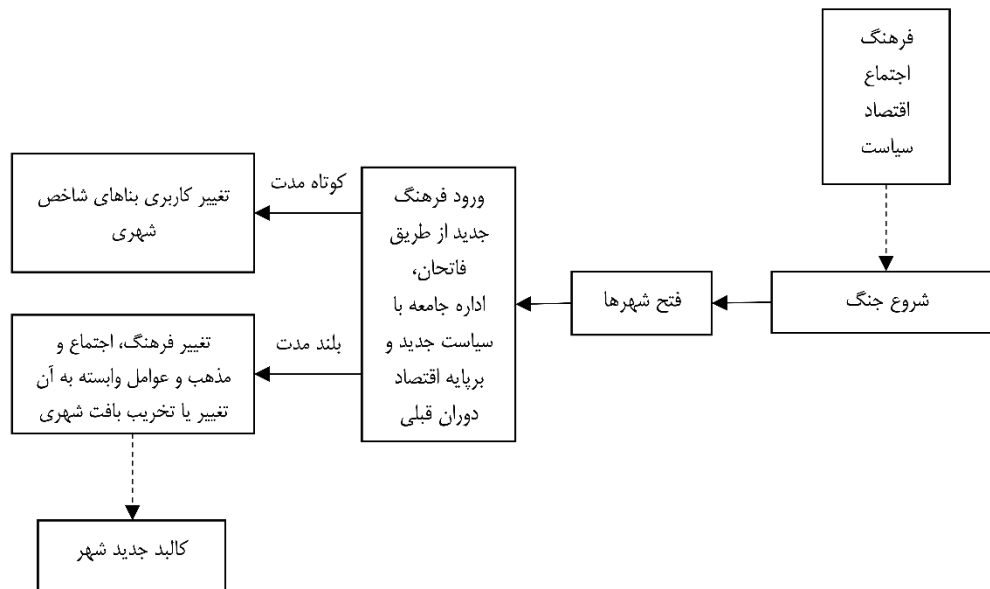
۸- یافته‌های تحقیق: رویکردهای بازسازی

پس از جنگ‌های بدوی و نسل اول

براساس مطالعات مشخص شد که جنگ‌های بدوی و نسل اول در حین جنگ، خرابی‌های فراوانی در شهرها برجای نگذاشته و عمده تغییرات آثار معماری و بافت شهری مربوط به دوران پس از جنگ است. این تغییرات ناشی از تفاوت‌های فرهنگی، تاثیرات مذهب و مسائلی از این قبیل است (حبیبی، ۱۳۹۳: ۳۸). با نگاهی تحلیلی می‌توان بیان کرد که این عوامل غیرمادی برآمده از «فرهنگ جدیدی» است که پس از فتح شهر توسط گروه فاتح وارد شده است و بر دیگر عوامل نظیر سیاست و اقتصاد برتری داشته و در کوتاه‌مدت منجر به تغییر بناهای شاخص شهری شده و در درازمدت منجر به تغییر کالبد شهر می‌گردد (نمودار ۳). بنابراین رویکرد بازسازی پس از جنگ‌های بدوی و نسل اول، در کوتاه‌مدت باززنده‌سازی آثار و در بلندمدت، الگویابی مجدد آثار تحت تاثیر عوامل فرهنگی بوده است. بر این اساس توجه به بسترسازی فرهنگی در «الگویابی مجدد» آثار جنگ در طولانی مدت منجر به مقبولیت آثار جدید توسط مخاطبان می‌شود.

۸-۱- رویکردهای بازسازی پس از جنگ‌های نسل دوم و سوم

جنگ‌های نسل دوم و سوم آثار مخرب فراوانی بر کالبد شهرها داشته‌اند. در بازسازی‌های پس از این نسل‌های جنگ نیز سه رویکرد اصلی مذکور با توجه به مسائل گوناگون بکار گرفته شده است. با بررسی رویکرد بازسازی‌ها در کشورهای پیروز و شکست خورده جنگ جهانی دوم، می‌توان به تفاوت‌های معناداری در عین استفاده از رویکردهای مشابه دست یافت. بازسازی‌ها در برلین وابسته به منابع مالی کشورهای پیروز بود، همچنین این کشورها بودند که روایات پس از تخریب را به آلمان‌ها دیکته می‌کردند (ویل و کامپانلا، ۱۳۹۷: ۱۰۷). علاوه بر این، بازسازی برلین در شرایط اجتماعی ویژه‌ای-که برآمده از انقلاب صنعتی و جنبش مدرنیسم بود- شکل گرفت. در نتیجه بازسازی بدون توجه به مسائل فرهنگی و در زمان کوتاهی با بکارگیری رویکرد «الگویابی مجدد» صورت گرفت. عدم همخوانی این سبک از بازسازی با فرهنگ مخاطبان منجر به ایجاد صدماتی از قبیل افسرگی و ناامیدی شهروندان شد (رستم‌علیزاده، ۱۳۹۱: ۶۳). سپس اندیشمندان آلمانی با نگاهی محتاطانه‌تر و با تثبیت شرایط پس از جنگ، در پی یافتن راه‌حلی متناسب با شرایط جدید برآمدند و با



نمودار ۳- تاثیرات جنگ نسل صفر و یک بر شهرسازی و معماری، (ماخذ: نگارنده)

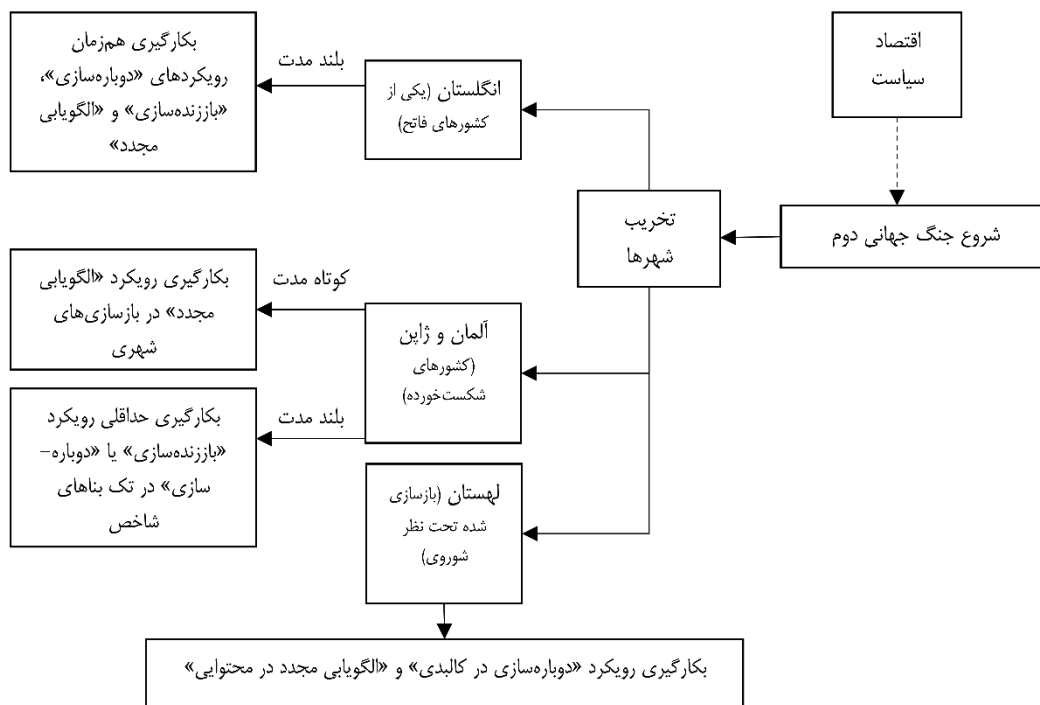


فرهنگی توسط دولتی وابسته به شوروی صورت گرفت. با توجه به نیت‌های سیاسی رژیم، «دوباره‌سازی» کالبد بناها برای جلب حمایت مردم انجام شد اما در واقع محتوا و روابط ساختمان‌های بازسازی شده براساس الگوهای سوسیالیستی، «الگویابی مجدد» شده بودند و شوروی محتوای جدیدی به بازسازی‌ها در لهستان تزریق کرد.

وابستگی سیاسی و اقتصادی کشورهای شکست خورده باعث شد که بازسازی‌های اولیه تحت نفوذ کشورهای پیروز صورت گیرند، این امر در تشابه انتخاب رویکرد «الگویابی مجدد» برای بازسازی شهرهای تخریب شده در کشورهای مغلوب قابل مشاهده است. این کشورها در هنگام بازسازی‌های اولیه تحت امر دولت‌های خارجی بوده و با استفاده از منابع مالی آن‌ها نسبت به بازسازی اقدام نموده‌اند. بنابراین نفوذ سیاسی-اقتصادی فاتحان در کشورهای آلمان، ژاپن و لهستان منجر به عدم توجه به متغیر فرهنگ در بازسازی‌های اولیه شده است. تک بناهای بازسازی شده با رویکرد «باززنده‌سازی» یا «دوباره‌سازی» نیز در بلندمدت و پس از پایان یافتن سلطه بیگانگان بر این کشورها صورت گرفته است. در

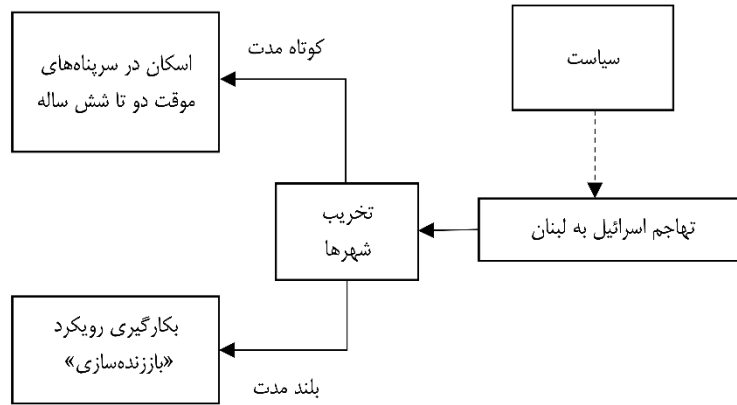
تأسی از تفکرات پست مدرنیسم رویکرد «دوباره‌سازی» را برای بازسازی بافت‌های آسیب‌دیده بکار گرفتند. ژاپن نیز برای بازسازی شهر تخریب شده هیروشیما از رویکرد «الگویابی مجدد» برای اسکان آسیب‌دیدگان استفاده کرد. این رویکرد به عنوان راهبرد اصلی برای بازسازی حجم زیادی از خرابی‌ها بکار گرفته شد. در کنار این رویکرد، «دوباره‌سازی» و «باززنده‌سازی» نیز برای بازسازی برخی از تک بناهای شاخص شهری استفاده شده است. لازم به ذکر است که روایت فاجعه و پس از آن پشتیبانی اقتصادی برای بازسازی‌ها در ژاپن تحت نفوذ نیروهای ایالات متحده صورت گرفت (بنه-ولو، ۱۳۷۲:۳۴۳).

با توجه به بررسی‌ها، بازسازی شهر لندن با توجه توأمان به سه رویکرد «دوباره‌سازی» در بافت قدیمی شهر، «باززنده‌سازی» در حومه‌ها و «الگویابی مجدد» در ایجاد شهرک‌های اقماری در اطراف شهر، صورت گرفته است. توجه همزمان به سه عامل فوق براساس برنامه‌ریزی و مطالعات شهری در حین جنگ انجام گرفته و پس از جنگ، بازسازی‌ها شروع شدند. بازسازی‌های لهستان پس از جنگ به لحاظ اقتصادی و



نمودار ۴- تاثیرات جنگ نسل دوم بر شهرسازی و معماری انگلستان، آلمان، ژاپن و لهستان، (ماخذ: نگارنده)

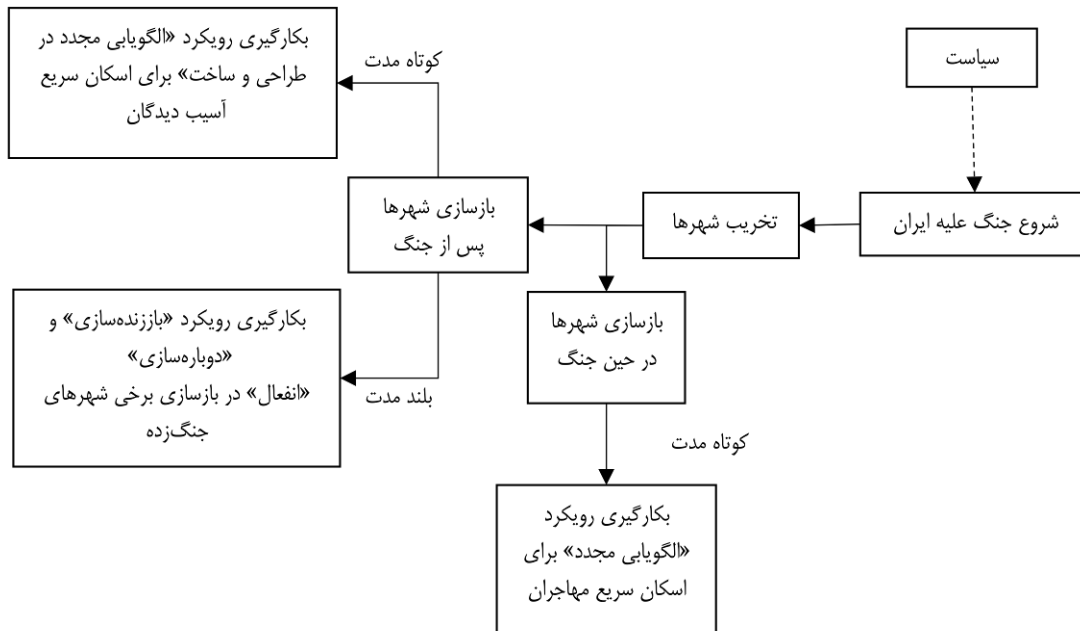




نمودار ۵- تاثیرات جنگ نسل سوم بر شهرسازی و معماری لبنان، (ماخذ: نگارنده)

مبتنی بر بهسازی محیط با بکارگیری رویکرد باززنده‌سازی بافت تخریب شده صورت گرفته است (نمودار ۵). بازسازی‌های ایران پس از جنگ با رویکردهای مختلفی صورت گرفته، بررسی‌ها نشان می‌دهد در بازسازی شهرهای جنگ‌زده ایران بکارگیری رویکرد «الگویابی مجدد در ساخت آثار» بیشتر از سایر رویکردها استفاده شده است. این روش راهکاری سریع و ساده برای اسکان آسیب‌دیدگان جنگی بوده است. در عین حال «باززنده‌سازی» فضاها پس از جنگ با موفقیت همراه نبوده و

نمودار شماره ۴ می‌توان رویکردهای بازسازی در کشورهای فاتح و شکست‌خورده را مشاهده کرد. در بازسازی‌های لبنان نیاز به اسکان سریع آسیب‌دیدگان وجود داشت. برنامه‌ریزی براساس روایت فاجعه به عنوان فرصتی برای «بهسازی محیط» توسط دبیرکل حزب‌الله صورت گرفت. بدین ترتیب که بازسازی‌ها در بلندمدت با رویکرد «باززنده‌سازی» انجام شد و آسیب‌دیدگان در مدت بازسازی به صورت موقت اسکان داده شدند. بنابراین بازسازی‌ها در لبنان براساس شرایط جدید و



نمودار ۶- تاثیرات جنگ نسل سوم بر شهرسازی و معماری ایران. (ماخذ: نگارنده)



جدول ۴- تاثیر انواع نسل جنگ‌ها بر معماری و رویکردهای بازسازی پس از جنگ در کوتاه‌مدت و بلندمدت، (ماخذ: نگارنده)

نسل جنگی	تجهیزات جنگی	نمونه جنگ	تاثیر مستقیم جنگ بر معماری و شهرسازی	رویکردهای بازسازی	تاثیرات بلندمدت بر ساختار معماری و شهر
بدوی (صفر)	سلاح‌های اولیه	فتح ایران توسط اسکندر فتح تیسفون در صدر اسلام، فتح ایران توسط مغولان جنگ‌های صلیبی	بدون تاثیر در هنگام جنگ	کوتاه‌مدت: باززنده‌سازی بناهای شاخص در جهت تسریع استیلای فرهنگی، مثل تبدیل معبد به مسجد بلندمدت: الگویابی مجدد در طراحی و ساخت	تغییر بافت شهری و معماری متأثر از تغییر فرهنگ
اول	سلاح گرم اولیه، مثل توپ و تفنگ سرپر	فتح قسطنطنیه، جنگ کرنال	تخریب حداقلی در معماری و شهر	کوتاه‌مدت: دوباره‌سازی نواحی تخریب شده باززنده‌سازی بناهای شاخص مثل تبدیل کلیسای ایاصوفیه به مسجد بلندمدت: الگویابی مجدد بر اساس شرایط جدید	تغییر بافت شهری و معماری متأثر از تغییر فرهنگی
دوم	سلاح گرم سنگین، مثل نسل اول هواپیماها و بمب-های دستی	بمباران برلین، بمباران اتمی هیروشیما، بمباران لندن، تخریب ورشو	تخریب حداکثری بافت‌های شهری	کوتاه‌مدت: الگویابی مجدد در طراحی و ساخت بلندمدت: باززنده‌سازی دوباره‌سازی	پدیدار شدن صدمات شهری، فرهنگی-اجتماعی و سیاسی متأثر از الگویابی مجدد سریع در طراحی و ساخت
سوم	سلاح گرم پیشرفته، مثل موشک‌ها، تانک-های پیشرفته، هواپیماهای پیشرفته	جنگ عراق علیه ایران، جنگ تموز	تخریب حداکثری بافت‌های شهری	کوتاه‌مدت: الگویابی مجدد به در طراحی و ساخت بدون توجه به مسائل فرهنگی بلندمدت: باززنده‌سازی و دوباره‌سازی (به صورت حداقلی)	باززنده‌سازی و دوباره-سازی حداقلی پس از پدیدار شدن آسیب‌های اجتماعی انفعال در بازسازی در مناطق مرزی
چهارم	رسانه‌های فردی و گروهی	تهاجم فرهنگی	مدگرایی در سطح خرد	کوتاه‌مدت: مدگرایی در سلیقه بلندمدت: تغییر فرهنگ افراد	تغییر بافت شهری متأثر از فرهنگ جدید
پنجم (آینده)	(احتمالاً) سلاح-های سایبری و فضایی	جنگ‌های الکترونیکی و سایبری	نیازمند به آینده‌پژوهی در حوزه معماری و جنگ	نیازمند به آینده‌پژوهی در حوزه معماری و جنگ	نیازمند به آینده‌پژوهی در حوزه معماری و جنگ

در جدول ۴ انواع رویکردها در بازسازی و تاثیرات کوتاه-مدت و بلندمدت هر کدام بر ساختار معماری و شهر ارائه شده است.

۹- نتیجه تحقیق

با بررسی و مقایسه آثار مخرب شش نسل از جنگ‌ها و بازسازی‌های پس از آن، مشخص شد، بازسازی‌ها خارج از سه رویکرد اصلی نیست: «الگویابی مجدد، دوباره-سازی و باززنده‌سازی» که با توجه به متغیرهای زمانی و مکانی بکار گرفته شده‌اند. همچنین از بی‌توجهی به

رویکرد «دوباره‌سازی» بافت شهری یا بناهای معماری به صورت حداقلی بکار گرفته شده است. علاوه بر سه رویکرد اصلی در بازسازی‌ها، عدم بازسازی مناطق مسکونی در برخی از شهرهای مرزی کشور نیز قابل مشاهده است که از آن تحت عنوان «انفعال» در بازسازی می‌توان نام برد. در نمودار ۶ می‌توان خلاصه‌ای از رویکردهای ایران در بازسازی پس از جنگ را مشاهده نمود.



o Powerful technology

٦ William Lind

۱۲- منابع فارسی و لاتین

- احمدیان دیوکتی، محمدمهدی. ۱۳۹۷. راهبردهای موثر در تحقق پیچیدگی اقتصادی: کاربرد الگوسازی ساختاری-تفسیری. فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، (۴): ۱۴۶-۱۲۱. <https://www.edub.ir/data/media/contents/images/5d51127ea56ab.pdf>
- آراسته، ناصر. ۱۳۸۹. کلیاتی از جنگ و مواردی از دفاع-مقدس. تهران: انتشارات ایران سبز.
- ایمانپور، محمدتقی. ۱۳۹۳. دو روایت از به آتش کشیده-شدن تخت جمشید، ایسنا. (۱۳۹۳/۰۱/۲۶). <https://www.isna.ir/news/93012610194>
- بلاذری، احمدابن یحیی. ۱۳۳۷. فتوح البلدان. ترجمه محمدتوکل. تهران: نشر نقره.
- بنه‌ولو، لئوناردو. ۱۳۷۲. تاریخ معماری مدرن، ترجمه سیروس باور. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بینام. ۱۳۶۱. اهداف و برنامه‌های شورای عالی بازسازی. جهاد. (۳۸): ۱۸-۱۹. <http://ensani.ir/file/download/article/20120426092213-2176-265.pdf>
- پوراحمد، احمد. ۱۳۷۷. ابعاد جغرافیایی خسارت‌های جنگ تحمیلی. پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۳۵: ۸۱-۹۴. https://journal.ut.ac.ir/article_17223_74f26cd25cf98272a9f8ee34dcb44af5.pdf
- تبریزی، محمد. ۱۳۷۱. گزارش مطالعات مقدماتی طرح بررسی اثرات خودکشی در منطقه ایلام. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- جیجونبو، تیموتی. ۱۳۸۸. تاریخ نظامی و جنگ‌های نسل چهارم. ترجمه داوود علمایی. مطالعات بسیج. (۴۴): ۱۲۹-۱۵۸. <http://ensani.ir/file/download/article/20120329103724-2080-28.pdf>
- حبیبی، محسن. ۱۳۹۳. از شار تا شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حجت، مهدی. ۱۳۹۰. معماری ظرف زندگی. سوره. (۵۰): ۲۰۴-۲۰۷. <http://ensani.ir/file/download/article/20140318124121-9907-36.pdf>
- حیدری، کیومرث، عبدی، فریدون. ۱۳۹۱. جنگ آینده و مشخصات آن با تحلیلی بر دیدگاه برخی صاحب نظران غربی. مدیریت نظامی. (۴۸): ۴۳-۷۶.

خرابی‌ها یا کاستی در بکارگیری رویکردهای فوق می‌توان تحت عنوان «انفعال در بازسازی» نام برد. جنگ‌های بدوی و نسل اول در حین درگیری‌ها کمترین اثر را بر کالبد شهر و معماری داشته و عمده تغییرات در بلندمدت و به دلایل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و مانند آن رخ داده است. بازسازی پس از جنگ‌های بدوی و نسل اول مبتنی بر رویکرد «باززنده‌سازی» انجام شده است. جنگ‌های نسل دوم و سوم در هنگام درگیری‌ها بیشترین اثر مخرب را بر ساختار شهر و معماری داشته‌اند. بازسازی‌های پس از جنگ در این نسل‌ها، در کوتاه‌مدت با استفاده از رویکرد «الگویابی مجدد»، در میان‌مدت با بکارگیری رویکرد «دوباره‌سازی» و در بلندمدت از رویکرد «باززنده‌سازی» بوده است. جنگ‌های نسل چهارم و پنجم جنگ‌های فرهنگی و اطلاعاتی هستند. ابزارهای نسل چهارم از جنگ منجر به تخریب کالبد شهر و معماری نمی‌شوند اما مهاجمان این نسل با نگرش بلندمدت، سعی در تغییر ذات‌فه فرهنگی افراد جامعه داشته و با استفاده از رویکرد «الگویابی مجدد» در پی کسب نتیجه مطبوع‌شان هستند.

۱۰- تشکر و قدردانی

از تمامی نگاهبانان کشور در برابر تهاجمات دشمنان تشکر و قدردانی می‌گردد.

۱۱- پی‌نوشت‌ها

۱ لازم جنگ جهانی دوم به صورت گسترده‌ای منجر به انهدام بازسازی‌های پس از جنگ جهانی اول شده است، بنابراین رویکردهای بازسازی پس از جنگ جهانی اول قابلیت تعمیم‌پذیری به عنوان راهکاری علمی نخواهد داشت.

۲ سیاست زمین سوخته یک استراتژی نظامی است که به معنی از بین بردن تمامی منابع در دسترس نیروی دشمن است.

۳ این طرح، کمک‌های مالی و اقتصادی بلاعوض امریکا را به حکومت‌های نیازمند تصریح می‌کرد، لیکن عملاً گامی در جهت استثمار کشورها و انقیاد دولت‌ها از طریق ایجاد وابستگی‌های اقتصادی و سپس سیاسی بود.

۴ The Blitz

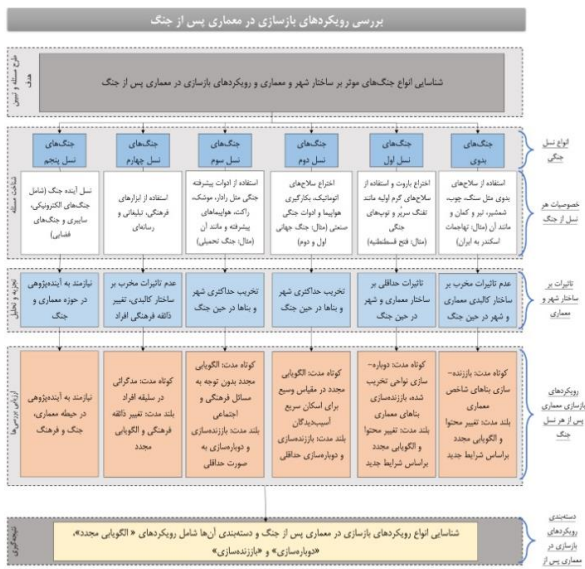


- کلهرنیا، بیژن. ۱۳۹۱. بازسازی قصرشیرین از داستان تا واقعیت. هنرهای زیبا. (۴): ۷۱-۸۰. https://journals.ut.ac.ir/article_36367_79532bee5989f83b02e3d7902cf2b5e5.pdf
- کوپ، آنا تول، بوشه، فردریک، پولی، دانیال. ۱۳۶۶. معماری بازسازی. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- ماله، آلبر، ایزاک، ژول. ۱۳۸۴. تاریخ قرون وسطی، ترجمه عبدالحسین هژیر. تهران: سمیر.
- مخبر، حسن. ۱۳۶۴. به بازسازی و نوسازی مناطق جنگ-زده چگونه بنگریم. جهاد. (۸۳): ۱۲-۱۹. <http://ensani.ir/file/download/article/20120426092730-2176-654.pdf>
- مطوف، شریف. ۱۳۸۳. تحلیل روند بازسازی آبادان و خرمشهر از دیدگاه‌های نظری. باغ نظر. (۱): ۸۵-۱۰۳. http://www.bagh-sj.com/article_1496_bbc9912b289900f9caa9fffe2a1a26cf.pdf
- نقی‌زاده، محمد. ۱۳۷۹. صفات شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم. صحیفه مبین. (۵): ۴-۴۰. <http://noo.rs/oeHiG>
- نمازیان، علی، قارونی، فاطمه. ۱۳۹۲. حلقه گمشده روانشناسی محیط در آموزش معماری. انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران. (۵): ۱۲۱-۱۳۱. <http://www.iust.ac.ir/files/sau/Doc/maghalat/10n5.pdf>
- وفرید، جیوانیتی. ۱۳۵۵. هیروشیما چرا و چگونه با بمب اتمی ویران شد. گوهر. (۴۰): ۳۳۳-۳۳۷. <http://ensani.ir/file/download/article/20120326161554-4024-479.pdf>
- ویل، لارنس جی، کامپانلا، توماس جی. ۱۳۹۷. شهر از نو، ترجمه نوید پورمحمدرضاء، تهران: نشر اطراف.
- Allen, T. 1996. In search of cool ground. Genova: Africa World Press.
- Axworthy, M. 2006. The Sword of Persia: Nader Shah, from Tribal Warrior to Conquering Tyrant Hardcover. London: I.B. Tauris.
- Beavor, A. 2002. Berlin: The Downfall 1945. London: Viking Press.
- Bevin, E. 2015, Message for Monsieur Schuman from Mr Bevin. CVCE journal, (19): 30-41. https://www.cvce.eu/content/publication/1999/2/2/0fc42bca-95ef-4f07-bf54-2c23d3e015a2/publishable_en.pdf
- http://jmm.iranjournals.ir/article_3357_a8856de1b05ae35688232b50799f2ddb.pdf دورانت، ویلیام جمیز. ۱۳۳۷. تاریخ و تمدن، جلد ۱. ترجمه گروه مترجمان. تهران: انتشارات اقبال.
- دورک، دانا پی. ۱۳۹۴. برنامه‌دهی معماری، ترجمه امیرسعید محمودی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رستم‌علیزاده، ولی‌الله، قاسمی‌اردهائی، علی. ۱۳۹۱. آثار و پیامدهای مهاجرت‌های جنگ تحمیلی در جامعه ایران. مقدس. (۲): ۵۹-۸۰. <https://www.virascience.com/article/94416>
- رضایی، عبدالرئوف. ۱۳۸۶. نقش جنگ‌های صلیبی در انتقال تمدن اسلامی به غرب. قم: انتشارات علوم اسلامی.
- رویوران، حسین. ۱۳۸۵. دستاوردهای پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه. مطالعات راهبردی جهان اسلام. (۲۶): ۳۲-۴۰. <http://noo.rs/7WZ5X>
- سبحانی‌فر، محمدجواد، نوروزی، روح‌الله. ۱۳۹۱. از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم و راهکارهای مقابله با آن از منظر مقام معظم رهبری. پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی. (۵): ۸۹-۱۱۷. <http://noo.rs/OLeE3>
- سبیب، رحیم. ۱۳۵۰. اخبارالدوله العباسیه و فیه اخبارالعباس و اولاده، ترجمه عبدالعزیزدوری، قاهره: دارالطلیعه.
- سپهر، مسعود. ۱۳۸۱. ژاپن و سیاست‌های اقتصادی جنگ. ماه تاریخ و جغرافیا. (۵۶): ۱۲۲-۱۲۵. <http://ensani.ir/file/download/article/20120426105600-4034-504.pdf>
- ستاریخواه، علی. ۱۳۹۵. ماهیت صحنه جنگ ترکیبی آینده احتمالی علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴. آینده‌پژوهی دفاعی. (۱): ۲۷-۴۴. http://www.dfsr.ir/article_21930_6d7abc0a0236d8e7b8d87f910f3b1d22.pdf
- شادی‌طلب، ژاله. ۱۳۷۲. تجربه مدیریت فاجعه در کشورهای در حال توسعه. تهران: بنیاد مسکن انقلاب-اسلامی.
- غفوروف، باباجان. ۱۳۷۷. تاجیکان، تاریخ قدیم، قرون وسطی و دوره نوین، جلد اول و دوم. دوشنبه: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قبادیان، وحید. ۱۳۹۱. معماری معاصر غرب. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.



- Nye, J. 2011. The Future of Power, New York: Public Affairs.
- Quarantelli, E. 1982. Sheltering AND Housing After Major Community Disasters, Columbus, Ohio: Research Foundation, The Ohio State University.
- Stiefel, M. 1999. Rebuilding After war: lessons from WSP, War-torn Societies project. Geneva: At.
- Urban, F. 2018. Large Housing Estates of Berlin, Germany, New York: Springer, Cham.
- Venugopal, R. 2010. In Brief: Four imperatives for sustainable post-war reconstruction in Sri Lanka, Centre for Research on Inequality, Human Security and Ethnicity (CRISE). https://assets.publishing.service.gov.uk/media/57a08b52e5274a27b2000aa7/CRISE_InBrief2.pdf
- URL1: <http://fa.wikishia.net>
- URL2: <http://commons.wikimedia.org>
- URL3: <http://googleearth.com>
- URL4: <https://www.berlinluftterror.com/then-now-berlin>
- URL5: <http://isna.ir>
- URL6: <http://rezonemagazine.com>
- URL7: <http://theplanner.co.uk>
- Blaikie, P. 1994. At Risk Natural Hazards, Peoples Vulnerability, and Disasters. New York: Routledge.
- Calame, J. 2005. Post-war reconstruction: concerns, models and approaches. Minerva Parters, (6): 1-59. <https://core.ac.uk/download/pdf/56704076.pdf>
- Comerio, M. 1998. Disasters Hits Homes, New Policy for Urban Housing Recovery, London: University of California.
- El-Masri, S. & Kellett, P. 2001. Post-war reconstruction. Participatory approaches to rebuilding the damaged villages of Lebanon: a case study of al-Burjain. Habitat International, (4): 535-557. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0197397501000236>
- Elnur, I. Elrasheed, F. & Yacoub, Y. 1993. Some aspects of survival: strategies among the Southern Sudan displaced people in Greater Khartoum. Saarbncken: Verlag Breitenbach Publishers.
- Fresma, H. 1979. After Event: Areas Following Natural Disasters, Beverly Hills, California: Sage Publication.
- Gavin, P. 2004. World War2 in Europe. San Diego: Lucent Books.
- Hass, J. & Kates, M. 1977. Recovery after Disaster, Cambridge: MIT Publication.
- Henderson, D. 2009. German economic miracle. World Economy Newspaper, (1912): 27-28. <https://www.investopedia.com/articles/economics/09/german-economic-miracle.asp>
- Horne, A. 2003. Warsaw's Heroic Cityscape. New York Times, (17 August): 16-17. <https://www.nytimes.com/2003/08/17/travel/warsaw-s-heroic-cityscape.html>
- Jankowski, S. 1990. Warsaw: Destruction, Secret Town Planning: Rebuilding Europe's Bombed Citics, (90): 80-90. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-349-10458-1_6
- Majewski, J & Markiewicz, T. 1989. Warszawa nie odbudowana (Warsaw Not Reconstructed). Warsaw: DiG Publication
- Niemczyk, M. 1998. City Profile: Warsaw. Cities, (4): 298-309. <http://www.worldcitiescultureforum.com/cities/warsaw>

۱۳- چکیده تصویری



دوفصلنامه آندیشه معماری، نشریه علمی، سال پنجم، شماره دهم پاییز و زمستان ۱۴۰۰

